

چگونگی و حدود  
ارتباط سالم  
بین دختر و پسر  
قبل از  
ازدواج



قسمت دوم

بررسی وضع موجود در روابط دختر و  
پسر

با بررسی روابط موجود بین دو جنس مذکر و مؤنث در جامعه ما می توان شقوق و دسته های مختلفی از رفتار را مشاهده کرد. ما در سطور آتی به مهمترین انواع این برخوردها و رفتارها اشاره می کنیم. لازم به ذکر است که هر یک از این برخوردها ارتباط مستقیمی با عوامل تعیین کننده رفتار، از جمله سطح تحول شخصیت، سطح تحول هوش و تراز فرهنگی انسان دارد. دسته های مهم در برخوردهای بین دو جنس عبارتند از:

انسان وقتی که می‌باید سخنی را در مقابل جمعی بگوید، ولی خود را ناتوان از بیان آن می‌یابد، دچار شرم است؛ در حالی که وقتی انسان تمایل دارد مثلاً نسبت به بزرگتر خویش از جمله پدر، مادر، معلم و یا مربی خود رفتاری مبتنی بر بی‌حرمتی را نشان دهد و از عهده انجام چنین کاری نیز برمی‌آید، ولی به دلیل داشتن صفت حیا خویشتن داری کرده، آن را انجام نمی‌دهد، در اینجا نوعی توانایی و قدرت را از خود به نمایش گذاشته است. با این توصیف می‌باید برخورد مبتنی بر شرم و برخورد مبتنی بر حیا با جنس مخالف را از یکدیگر تفکیک کنیم. برخورد مبتنی بر شرم برخوردی از روی ناتوانی است، در حالی که برخورد مبتنی بر حیا برخوردی خویشندارانه و آزادی است. کسانی که در مقابل جنس مخالف دچار خجالت زدگی شده، از خود شرم افراطی نشان می‌دهند؛ دسته‌ای دیگر از انواع برخوردهای اجتماعی بین دو جنس را می‌سازند. پسری که به هنگام مواجهه با جنس مخالف دست و پای خود را گم می‌کند و نمی‌تواند بر اعصاب خویش مسلط شود و یا دختری که در مواجهه با جنس مخالف توانایی برخورد صحیح کلامی را از دست می‌دهد و نمی‌تواند مطالب را به درستی و مبتنی بر تفکر بیان نماید، مصداق چنین برخوردی هستند. چنین فرد یا افرادی از این ناتوانی به نوعی دچار آسیب خواهند شد.

۳ - برخورد دستپاچه و هیجان زده: در ادامه برخورد مبتنی بر شرم افراطی، برخورد هیجان زده افراد در مقابل جنس مخالف را می‌توان یافت. این نوع برخورد به صور مختلف مانند عصبانیت، سرخ شدن و بالا رفتن ضربان

۱ - برخورد مبتنی بر شناخت و احترام متقابل: این نوع برخورد بر اساس درکی که انسان از شأن انسانی خود و نیز جایگاه و رفعت انسانی دیگران دارد، صورت می‌گیرد. انسانی که برای انسانیت و شأن خود ارزش والایی قائل است، روابطش را با دیگران به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در آن احترام متقابل و ارزش‌گذاری متعالی و متعامل رعایت شده باشد. چنین برخوردی زمانی ایجاد می‌شود که انسان به نیازهای روانی خود درکنار نیازهای زیستی خویش توجه داشته باشد و نوع برخورد او با دیگران بیشتر از سطوح بالاتر نیازها نشأت گرفته باشد. این نوع برخورد احترام‌آمیز، به دور از پرخاشگری، به دور از نیات سودجویانه و اندیشه‌های مبتنی بر سوءاستفاده، انجام می‌گیرد. حال برای اینکه جایگاه این نوع برخورد را بهتر نشان دهیم، ضروری است به بررسی انواع دیگر برخوردها نیز پردازیم.

۲ - برخورد مبتنی بر شرم افراطی: بهتر است پیش از توضیح این بند به تفاوت دو اصطلاح شرم و حیا پردازیم. شرم که بیشتر مترادف با خجالت کشیدن و یا کناره‌گیری کردن است، اصطلاحی است ناظر بر ناتوانی انسان در یک برخورد اجتماعی. فردی که دچار شرم است، نمی‌تواند رفتار مناسب و مطلوب خود را در یک موقعیت اجتماعی خاص از خود نشان دهد. اصطلاح دیگر حیا است. حیا یک صفت پسندیده اخلاقی است و آن عبارت است از خویشنداری آزادی فرد در انجام اعمالی که خلاف قاعده و شأن شرعی و عرفی باشد. حیا در حقیقت نوعی توانایی است، در حالی که شرم یا خجالت نوعی ناتوانی به شمار می‌آید.

به یک شمیء و یا شخص دیگر. در حالی که عصبانیت یک حالت برانگیخته هیجانی است که در آن تغییرات بدنی آشکاری دیده می شود. در حالت عصبانیت فرد کنترل خود را بر اعمالش تا حدودی از دست می دهد. پرخاشگری ممکن است زمانی با عصبانیت همراه باشد و گاه بدون آن بروز می کند. فردی که با خونسردی تمام در گوشه ای نشسته، چیزی را عمداً تخریب می کند و یا حتی در پرخاشگریهای افراطی با خونسردی تمام جان فردی را می گیرد، این چنین فردی پرخاشگری را بدون عصبانیت از خود نشان می دهد. ولی فردی که با عصبانیت دست به شکستن چیزی و یا ضرب و جرح دیگری می زند، فردی است که پرخاشگری را با عصبانیت توأم دارد. برخی از برخوردهای بین دو جنس در جامعه ما از نوع برخوردهای پرخاشگرانه است. ما این نوع برخوردها را به نحو آشکار از برخوردهای هیجان زده منفک و مجزا می کنیم. پسری که برای نشان دادن توجه خود به یک دختر با موتور و یا ماشین از کنار او سرعت می گذرد و او را دچار ترس می کند و رفتارهایی از این قبیل، نشانگر رفتارهای پرخاشگرانه است. پرخاشگری نسبت به جنس مخالف می تواند مشکلاتی را در زندگی آتی انسان ایجاد کند. پرخاشگری که سرچشمه آن یک تمایل درونی برای آسیب زدن می باشد، ممکن است به صورت اعمالی که به نحوی فرد مقابل را ناراحت می کند و یا می رنجاند و نیز گفتن کلماتی که به نوعی آزاردهنده است، تجلی داشته باشد.

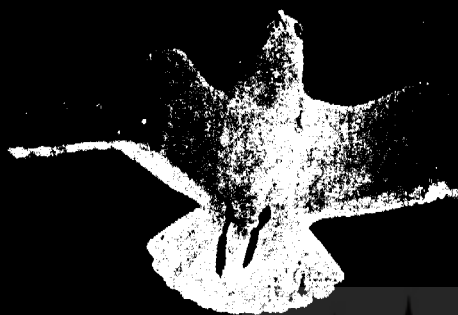
۶ - روابط پنهانی: این نوع روابط یکی دیگر

قلب، عموماً به رفتار کردن و رفتار مبتنی بر ترس و یا خوشحالی افراطی دیده می شود. هیجان که یک حالت برانگیخته روانی است شامل تمامی مواردی که نام بردیم اعم از ترس، خوشحالی، عصبانیت، عجله و امثال اینهاست. هر چند که هیجانات اجزای لاینفک رفتار انسانی هستند و لکن می باید برای اتخاذ تصمیم صحیح و نشان دادن رفتار مناسب تحت کنترل درآیند.

برخورد با جنس مخالف به شکل هیجان زده می تواند تصمیم گیری و نیز انجام اعمال صحیح ما را تحت الشعاع خود قرار دهد. به طور کلی توصیه روان شناسان به انسان، کنترل هیجانها و حفظ خونسردی در تمامی موقعیتهای زندگی است که این توصیه از رفتار اجتماعی ما با جنس مخالف نیز جدا نیست.

۴ - برخورد خشک و محدود: دسته دیگری از انواع رفتارهای متقابل بین دو جنس در جامعه ما رفتار خشک و محدود است. در این نوع رفتار زن و یا مرد به گونه ای با جنس مخالف مواجه می شود که گویی از وی متنفر است و یا اینکه شدت او را طرد می کند. هر چند که حفظ حدود شرعی از جمله نحوه نگاه کردن به نامحرم می باید جزو صفات متعالی یک انسان به شمار می آید، لکن حفظ این حدود نباید منجر به نشان دادن رفتار توهین آمیز شود.

۵ - برخورد مبتنی بر پرخاشگری: در توضیح این مطلب بهتر است به تفاوت موجود بین عصبانیت یا خشم که نوعی هیجان است و پرخاشگری که یک نوع رفتار و تمایل است، اشاره ای داشته باشیم. پرخاشگری در اصل تمایل و یا عمل فرد است در جهت آسیب زدن



۷- برخوردارهای غیر عادی و ناپخته: این نوع برخوردارها بیشتر به توسط کسانی صورت می‌گیرد که به لحاظ فرهنگی، تحول هوشی و تحول شخصیتی در سطحی بسیار پایین و مبتذل قرار گرفته‌اند. متلک‌گویی، ایجاد مزاحمت‌های خیابانی و یا مزاحمت‌های تلفنی از جمله این نوع رفتارهای ناپخته است.

۸- افراط در معاشرت: این نوع رفتار که معمولاً متأثر از فرهنگ غربی در زمینه ارتباط بین دو جنس است بیشتر در میان خانواده‌هایی که دارای یک فرهنگ منسجم و اصیل شرقی و اسلامی نیستند دیده می‌شود. اختلاط بیش از حد بین دختر و پسر پیش از ازدواج با توجهاتی مانند زمینه‌سازی برای شناخت بهتر دو جنس از یکدیگر و یا زمینه‌سازی برای کسب تجربیات عملی برای انجام یک ازدواج موفق صورت می‌گیرد. میهمانها، جشن تولدها،

از انواع برخوردارها بین دو جنس در جامعه ماست. برقراری روابط پنهانی با جنس مخالف پیش از ازدواج، یکی دیگر از انواع رفتارهای بین دو جنس را در جامعه ما نشان می‌دهد. برقراری روابط پنهانی و مخفیانه در طبیعت ارتباط بین دو جنس نهفته است، ولیکن باید بین ارتباط پنهانی قبل و بعد از ازدواج تفاوتی آشکار و اساسی قائل بود. ازدواج نقطه‌ای است که در آن می‌تواند عمیقترین روابط فردی و پنهانی بین دو جنس شکل گرفته، به شکلی مطلوب استمرار پیدا کند. در حالی که پیش از ازدواج، این نوع روابط، بخصوص از جانب افرادی که نمی‌توانند بر رفتار خود تسلط کافی داشته باشند، می‌تواند مشکل‌ساز باشد. دختران و پسرانی که بدون تسلط کافی بر اعمال و رفتار خود اقدام به برقراری روابط پنهانی با یکدیگر می‌کنند، معمولاً در این زمینه دچار نوعی آسیب و یا شکست می‌شوند.

انسان را با یک فرد دیگر در سراسر عمر توجیه کند عشق و علاقه‌ای است که می‌تواند بین آنها به وجود بیاید و روز بروز گسترش پیدا کند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که افراط در معاشرت، یک پدیده غربی در جامعه ماست. ما برای برخورد‌های مناسب بین دو جنس برنامه، نظام و حدود معینی را به شکل مشخصی در اختیار داریم که به منظور بررسی این مطلب به بحثی دیگر می‌پردازیم.

### وضع مطلوب در روابط دختر و پسر

پس از بحث در مورد وضع موجود در روابط دختر و پسر می‌توانیم حدود ارتباطی مناسب بین دو جنس را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. برای نشان دادن وضع مطلوب در روابط بین دو جنس می‌توان به ویژگیها و خصوصیات زیر اشاره کرد.

۱- شناخت و واقعیت‌های جنس مخالف: در این زمینه بهتر است به گونه‌ای عمل کنیم که واقعیت جنس مخالف را تا حد ممکن بشناسیم و بر اساس این شناخت، اعمالمان را تنظیم کنیم. به نظر من بهترین راه شناخت جنس مخالف در نظر گرفتن و شناخت دقیقتر واقعیت وجودی افرادی از جنس مخالف است که با ما سالها زندگی کرده و ما آنها را در نشیب و فرازهای گوناگون زندگی از نزدیک آزموده‌ایم. برای جنس مؤنث شناخت پدر، برادر، عمو، دایی و امثال این افراد می‌تواند تا حد زیادی واقعیت جنس مخالف را نشان دهد. برای جنس مذکر نیز واقعیات مشاهده شده از مادر، خواهر، خاله، عمه و امثال اینها نیز می‌تواند نشانگر

مراسم مختلف ورزشی و مسافرت‌های دسته جمعی که معمولاً بستر و محمل چنین روابطی است، در میان این دسته از افراد به وفور دیده می‌شود. چنین اعمالی بدون توسل به عناصری از فرهنگ غرب اساساً امکان‌پذیر نیست. و این نکته معمولاً مردم ما را دچار تعارض و آشفتگی می‌کند، زیرا یک فرهنگ در درون خود دارای انسجام است و ما نمی‌توانیم فرهنگ را به شکل مخلوط و بدون انسجام برگرفته از جوامع مختلف به کار بگیریم. شاید گرفتاری بزرگ بشر در عصر حاضر دورافتادن از یک فرهنگ منسجم و سازمان یافته باشد. دختری دانشجو و نسبتاً باهوش که چند ماه پیش برای مشاوره نزد من آمده بود از خداحافظی دوست پسرش که قصد داشت به خارج از کشور سفر کند و با او بطور کامل خداحافظی کرده بود شاکمی بود. او می‌گفت: "من در ابتدا فکر می‌کردم که چه ضرورتی دارد یک زن تمام عمر خود را تنها با یک مرد سپری کند. یک زن می‌تواند با مرد‌های مختلفی در زندگی ارتباط داشته باشد، ولی حالا بعد از آشنایی چند ماهه‌ام با این پسر، خداحافظی او برام غیر قابل تحمل شده است. احساس می‌کنم که دوری او را نمی‌توانم تحمل کنم."

چنانکه ملاحظه می‌فرمایید فکر اولیه این خانم برگرفته از یک عنصر غربی است، و این عنصر راهنمای عمل او در این دوستی شده است. در حالی که چنین فکری با سایر عناصر فرهنگی و عرفانی شرق در تعارض و تضاد قرار می‌گیرد. محبت و دلبستگی از سرمایه‌های بزرگ انسانی است که با عناصر فکری غرب در بسیاری مواقع در تعارض و تضاد قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر آنچه که می‌تواند زندگی یک

کری انسان شود.

۳ - از بین بردن ترسها، دلهره‌ها، هیجانها، احساس خصومت و خشونت نسبت به جنس مخالف: سومین ویژگی در یک برخوردار مطلوب، خالی کردن ذهن از عواطف منفی است. هرگونه احساسی که می‌تواند جنس مخالف را در ذهن ما به شکل منفی جلوه دهد و یا موجب رفتار مخرب ما نسبت به او باشد، می‌باید از ذهن حذف شده، یا اصلاح گردد.

۴ - حفظ خونسردی و صلابت شخصیت، به هنگام برخورد با جنس مخالف: ما باید به هنگام برخورد با جنس مخالف خونسردی خود را حفظ کرده، هیجانانگیز و مختلف را از خود دور کنیم و چنین امری حداقل از دو طریق امکان‌پذیر است. اول اینکه تلاش کنیم جنبه‌های آزادی اعمالمان را افزایش دهیم و به عبارت دیگر با داشتن برنامه‌هایی در جهت تقویت اراده‌ی خویش گام برداریم. انسانهایی که خود را به دست امیال و راحتی می‌سپارند معمولاً تسلط خوب و کافی بر اعمال خویش ندارند. دوم اینکه از طریق تمرین و حفظ خونسردی به هنگام مواجه شدن با جنس مخالف تلاش کنیم به سطحی از کنترل رفتار دست بیابیم که در آن خونسردی و صلابت کافی در برخورد با جنس مخالف را داشته باشیم.

۵ - برخورد مبتنی بر احترام با مراعات حدود شرعی در مورد محرم، نامحرم، حلال و حرام: در فرهنگ ما برخورد مناسب بین دو جنس به شکل دقیق در چگونگی ارتباط بر اساس ملاکهای چهارگانه محرم و نامحرم و حلال و

واقعیات وجودی جنس مخالف باشد. در صورتی که بدانیم و یقین داشته باشیم که افراد جنس مخالف تا حد بسیار زیادی بخصوص از آن جهت که در زندگی ما عملاً مؤثر است با یکدیگر مشابهت دارند، دیگر دچار خیالپردازی و تصور رؤیایی در مورد جنس مخالف نخواهیم شد. با بیان این مطلب به دومین ویژگی از خصوصیات وضع مطلوب در روابط دختر و پسر می‌پردازیم.

۲ - اجتناب از خیالپردازی و تصور رؤیایی در مورد جنس مخالف: یکی از مشکلات موجود در روابط بین دو جنس داشتن تصورات خیالی از یکدیگر است. گاه دختر و پسر از یک فرد بخصوص تصویری خیالی و کاملاً غیر واقعی می‌سازند و با آن تصویر زندگی می‌کنند. برای دختر گاه یک پسر با تمام ضعفها و محدودیتها و همچنین ناپختگیها و رشد نایافتگیها به شکل شاهزاده‌ای که سوار بر اسب سپیدی از راه رسیده، او را به سرزمین رؤیاها می‌برد، تجلی پیدا می‌کند. و یا برای پسری سرخورده و ناتوان از هدایت و سامان دادن به عواطف، افکار و احساسات دختری چنان تجلی پیدا می‌کند که گویی فرشته‌ای مهربان از آسمانها برای نجات او و برای ایجاد پناهگاه برای او به زمین آمده است. این تصورات رؤیایی بسیار زود از بین خواهد رفت و واقعاً مانند یک رؤیا در زندگی زایل خواهد شد. بنابراین در یک ارتباط مطلوب بهتر است از رؤیاپردازی در مورد جنس مخالف بشدت اجتناب کنیم. این مطلب با عشق و دوست داشتن مغایرتی ندارد. انسان می‌تواند فردی را بسیار عمیق دوست بدارد و لکن این دوست داشتن نباید موجب کوری و

می‌کند و می‌گوید: "به او پیشنهاد کردم که بهتر است خانواده‌هایمان با یکدیگر آشنا شوند، اما همین مطلب موجب شد که آن پسر مرا ترک کند و دیگر به سراغم نیاید." این خانم در نامه خود می‌افزاید: "چرا ما را این‌گونه راهنمایی می‌کنید که مطلب را با پدر و مادرمان در میان بگذاریم؟ من با این راهنماییها خود را خرد کردم و به او چنین پیشنهادی دادم و اکنون احساس می‌کنم که با دادن این پیشنهاد بشدت دچار احساس حقارت شده‌ام." این دختر خانم هرچند که در نامه خود به این نکته نیز اشاره می‌کند که امروز می‌داند آن پسر در مواقع مختلف او را مسخره می‌کرده و دست می‌انداخته است، لکن از این راهنمایی نیز بسیار گله‌مند است.

این نامه را به عنوان نوعی اعتراض به مشورت با والدین در این زمینه، در اینجا نقل کردم. با این توضیح که اگر این خواهر محترم عواقب دوروش را با یکدیگر مقایسه کند، قطعاً این راهنمایی را برای خود سودمندتر خواهد یافت. به عبارت دیگر می‌توانیم دو راه را برای چنین دختری تصور کنیم: نخست پیشنهاد مشورت با والدین و آشنا کردن آنها با یکدیگر که در حقیقت نوعی پیشنهاد ازدواج است و احتمالاً احساس از بین رفتن عزت نفس از طرف دختر در صورت ارائه جواب منفی از طرف پسر را در پی خواهد داشت و راه دوم عدم ارائه چنین پیشنهادی و حفظ عزت نفس ظاهری از طرف دختر و لکن بازبچه قرارگرفتن زندگی و حیثیت او در تمام زندگی. حال کدامیک از این دو برای انسان باصرفه‌تر است؟ اینکه ما احساس کنیم چیزی را به دیگری پیشنهاد کرده‌ایم و او نپذیرفته است و در اینجا تنها احساس عزت نفس ما در نزد خودمان

حرام مشخص شده است. رعایت این حدود نشانگر آشنایی ما با فرهنگ منسجم اسلامی است. برای شناخت این حدود لازم است به کتب فقهی مناسب مراجعه شود.

۶ - فقدان روابط پنهانی با جنس مخالف و مشورت با والدین در این‌گونه موارد: برقراری روابط پنهانی پیش از ازدواج ممکن است تا بدانجا پیش رود که به نوعی به هر یک از طرفین آسیب رسیده و آنها را در مقابل یک عمل انجام شده قرار دهد. بهتر است دختران و پسرانی که تجربه و شناخت کافی از جنس مخالف ندارند و نیز تسلط کافی بر اعمال و امیال خویش نیافته‌اند از طریق مشورت کردن با والدین و احتمالاً در میان گذاشتن تمایل خود نسبت به کسی، از آنان راهنمایی بخواهند و از این راه احتمال آسیب‌دیدگی روانی و تربیتی خویش را کاهش دهند. در اینجا بد نیست به نامه‌ای که اخیراً از یک دختر دانشجو به دستم رسیده است، اشاره‌ای داشته باشم. این دختر دانشجو در نامه‌ای مفصل به سماجت پسری برای دوستی با خود اشاره می‌کند و متذکر می‌شود: "من در ابتدا از آن پسر نه تنها خوشم نمی‌آمد، بلکه تنفر شدیدی نیز نسبت به او در دلم احساس می‌کردم، ولی سماجتها و نگاههای متوالی او کم‌کم در من اثر کرد و من آرام آرام احساس کردم که علاقه‌ای نسبت به او دارم و همین علاقه موجب شد تا رفتاری پذیرنده از خود نشان دهم. او که با شوق فراوان منتظر چنین موقعیتی بود طرح دوستی با من را ریخت و حدود ۲ ماهی باب‌گفت‌وگو با یکدیگر را باز کردیم." در ادامه این نامه، دختر به مطرح کردن مسأله آشنا شدن دو خانواده با یکدیگر اشاره

می‌گیرد و آنها را دچار تعارض بین حفظ حرمت، عفت و رفتار موقر از یک سو و داشتن یک رفتار خودنمایانه مبتنی بر جلب مشتری از سوی دیگر می‌سازد.

ما با توجه به مباحثی که در مورد سطح تحول شخصیت به میان آوردیم، به این نکته اشاره می‌کنیم که انسانی که دارای اهداف و آرمانهای شناخته شده و منسجم در جهت حفظ کرامت انسانی خویش است، هرگز از این وضع دچار تعارض نمی‌شود. او به دنبال یافتن همسری پاک و عقیف است، ولی کسی که از طریق نمایش دادن اندامها و ظاهر خود، پسری را به سوی خویش جلب می‌کند، قطعاً باید بداند کسی را شکار کرده است که چیزی جز امیال حیوانی انسان نمی‌شناسد. این آیه کریمه الهی که می‌فرماید: *الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ* - یعنی زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک از آن زنان ناپاک و زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاکند، به همین نکته اشاره دارد. اگر ارزشهای عالی انسانی مانند عفت، ایمان، پاکدامنی، خوش قلبی و سلامت نفس برای کسی معنا پیدا نکرده باشد، او می‌تواند زندگی خود را از طریق تمایلات سطح پایینتر مانند تمایلات جنسی، ارضای آنها و رسیدن به لذات بدنی سامان دهد، ولی کسی که به سطوح بالاتر دسترسی پیدا کرده است هر چند که مدتی ارضای تمایلات و نیازهای جسمانی او به تأخیر بیفتد، لکن حفظ ارزشهای عالی انسانی او را کفایت می‌نماید.

منابع:

۱- سوره نور، آیه ۲۶

خداشده‌دار شود و یا اینکه چندین سال بازیچه دست امیال یک پسر باشیم؟ این خواهر در نامه خود به ارتباطات متعدد و مکرر این پسر با دخترهای دیگر نیز اشاره می‌کند.

۷- اجتناب از برقراری روابط صمیمانه با جنس مخالف قبل از عقد شرعی: با این حال که روابط ما با جنس مخالف می‌باید خالی از پرخاشگری و ناپختگی و به دور از بی‌احترامی باشد، لکن نباید ارتباط صمیمانه‌ای بین ما برقرار شود و این مطلب را حتی به رغم وجود علاقه بین دو جنس نیز می‌باید رعایت کرد. ما برای توضیح بیشتر در این زمینه، به موضوع عشق و نقش آن در ازدواج، در پایان همین مباحث خواهیم پرداخت.

۸- نداشتن رفتار سبک، خودنمایی و جلب توجه جنس مخالف در مجامع مختلف: توصیه می‌شود که دختران و پسران از داشتن رفتار سبک مبتنی بر جلب توجه جنس مخالف دوری گزینند. این مطلب به رغم اینکه به صورت یک راهنمایی برای دختران و پسران ارائه می‌شود، ولی گاهی اوقات از طرف برخی از دوستان نوجوان و جوان مورد اعتراض قرار می‌گیرد. بعضی از دختران در مقایسه خود با دیگران به این نکته اشاره می‌کنند که آنهايي که رفتار آنچنانی در پیش می‌گیرند و خود را به اشکال مختلف به جنس مخالف عرضه می‌کنند در زندگی موفقترند، بسیار زودتر ازدواج می‌کنند و تشکیل زندگی می‌دهند. در حالی که ما به دلیل داشتن رفتار موقر، پیوسته دچار تنهایی و دورافتادن از ازدواج می‌شویم. چنین عباراتی به نوعی برای این دختران راهنمای عمل قرار